

دشمنان و مخالفان را از میان برداریم و با هم متحد شویم و با هم مبارزه کنیم
شماره ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰

وتو:

۶۸ - ۶۹





اطلاعیه

همانگونه که عمکان مطلع‌اند، روز ۱۷ خرداد ماه مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق که از سال ۶۰ در فرانسه بسر می‌برد و از حمایت همه جانبه دولت فرانسه برخوردار بود، از این کشور اخراج و در عراق مستقر گردید.

آنچه در این میان برای توده‌های مردم ایران آموزنده و آگاه‌گرانه است، باز هم اثبات این حقیقت مسلم است که چگونه سازمان مجاهدین خلق که با پشت کردن به توده‌های مردم ایران، کوشید با اتکا و حمایت دولتهای امپریالیستی بر مسند قدرت قرار گیرد، اکنون بمشابه ابزار و بازپچه‌ای در دست این دولتها، در خدمت بند و بست، و معاملات پنهانی و آشکار آنها قرار گرفته است. ماجرای مجاهدین خلق به توده‌های مردم ایران می‌آموزد که چگونه امپریالیستها بنابه شرایط مختلف و بخاطر حفظ منافع غارتگرانه خود در ایران آلترناتیوهای رنگارنگی را می‌پیروانند و در حالیکه در یک وضعیت معین به حمایت همه جانبه از یک آلترناتیو ساخته و پرداخته خود می‌پردازند، در شرایط دیگر آنها رعا کرده و قربانی آلترناتیو دیگر می‌کنند. سرنوشت مجاهدین خلق باز هم پوشالی بودن همه سازمانهایی را که راه خیانت به توده‌های مردم را در پیش می‌گیرند و برای رسیدن بقدرت به حمایت و پشتیبانی امپریالیسم روی می‌آورند نشان داد.

سازمان مجاهدین خلق که بویژه پس از ۲۰ خرداد ۶۰ وحدت خود را با بورژوازی لیبرال علنی ساخت و سپس در روند تحولی خود بمشابه مدافع منافع بورژوازی و نماینده منافع این طبقه، دفاع همه جانبه از نظام سرمایه‌داری و نظم ارتجاعی - بوروکراتیک حاکم را در پیش گرفت و به مقابله با منافع توده‌های مردم برخاست، در ادامه این سیاست ارتجاعی، به اتحاد روز افزون با بورژوازی بین‌المللی روی آورد و برای کسب قدرت دست به دامان دولتهای امپریالیست و دیگر دولتهای ارتجاعی گردید.

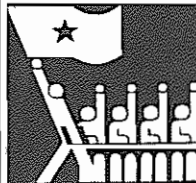
امپریالیستها که بنابه نقش و اهمیت استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه، از سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و قدرت گرفتن چپ شدیداً بهراس افتاده بودند و به بی‌اعتباری مزدوران شناخته شده خود همچون سلطنت طلبان، در میان مردم ایران وقوف داشتند، تلاش نمودند که مجاهدین خلق را که در آن ایام در میان توده‌های مردم ایران از نفوذ و اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند بسوی خود جلب کنند، تا بمحض بحرانی‌تر شدن اوضاع، این سازمان را بمشابه

۲ ■ نگاهی به اختلافات اخیر جناحهای رژیم

۷ ■ اخبار ایران

۱۴ ■ عملیات انفجاری دسته‌ای از سربازان فدایی در محور بندر چابهار - ایرانشهر

۱۵ ■ اخبار جهان



۲۰ ■ اخبار جنبش دانشجویی

۲۴ ■ دهمین سالگرد ستاخیز سوتو کرامی یاد

۲۶ ■ شعری

۲۸ ■ سعید: صدای عاشقان

صدای پاره‌پوشان
صدای ناگهان

۳۱ ■ دولت

ایدئولوژی

و
هنر و ادبیات



۳۴ ■ سازمان "او"

انقلاب سعید در انقلاب نیما در شعر

۴۰ ■ لنین و مبارزه بادیین پس از انقلاب اکتبر

۴۵ ■ بحران ورشکستگی اقتصادی

و درماندگی رژیم در حل آن



۴۹ ■ لایحه‌المنتهگان

نگاهی به اختلافات اخیر جناح‌های رژیم

تاریخچه جمهوری اسلامی، تاریخچه بحران حاکمیت است. اگر چه جمهوری برای نجات از بحران انتخاب گشت، ولی خود به عامل تشدید بحران تبدیل شد. اگر شکلهای بروز بحران در مراحل جداگانه‌ی حیات جمهوری متفاوت بود، اما تشدید و تولید و باز تولید آن در مضمون یکسان و اصل اساسی بود. چه آن موقع که خط امام در مقابل بازرگان یا بنی‌صدر قرار داشت، و چه آن موقع که آتش اختلافات از درون خط امام شعله برگشید، قطبین تضاد یکسان بود. طرفداران مناسبات سرمایه‌داری صنعتی یک سر تضاد، و طرفداران مناسبات عقب مانده‌ی سرمایه‌داری تجاری سر دیگر بودند. ما بین این دو سر طراح و بند باز جمهوری، خمینی شارلاتان قرار دارد. اما ابهت این بند باز اکنون مدتهاست در مقابل ابهت بحران آنچنان در عم شکسته است که گردانندگان اصلی جمهوری حرکات وی بر روی مدار اختلافات را به دیده‌ی حرکات مسخره‌ی میمون پیری بر روی طناب می‌نگرند. در این رابطه طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم در اعلامیه‌ی خود می‌گویند: "ما الان کسانی‌رادر قم داریم واقعا در مقابل تشخیص خود امام می‌کویند بلی اَنَّا رَجُلِي. اَنَا صاحب رای. مساله مهم است." (کیهان ۱۹ بهمن ۶۴) بحران موجود در جامعه عمچنان سیر صعودی را می‌پیماید، و در تمامی عرصه‌ها اثرات خود را بر جا می‌گذارد. جمهوری اسلام که تعدیل بحران، بازسازی و حفظ سیستم را عطف داشت، با گذشت هر روز خود را بیشتر در مرکز گرداب بحران می‌یابد. هر حرکتی از جانب جمهوری به دلیل فقدان نیروی کافی، و یا آنچه که نخست وزیر جمهوری "خلاء قانون" می‌نامد، نتیجه‌اش تشدید حرکات

گرداب و تسریع فرو رفتن جمهوری اسلام در عمق گرداب است. اما آنچه که موسوی "خلاء قانون" می‌نامد، بیان رسمی بن‌بست قدرت است. فریاد فروگفته‌ی نماینده‌ی جناحی است که نمی‌تواند به شیوه‌ی خود به نجات سیستم آسیب‌دیده‌ی سرمایه‌داری وابسته بپردازد. خروج از این بن‌بست مقدور نیست مگر با بیرون راندن جناحی از قدرت و گرفتن تمام و کمال اعرمهای اعمال اراده از جناح مخالف. اما این گرفتن قدرت از جناح مخالف بدون عکس‌العمل شدید جناح رقیب، و به این سادگی که رفسنجانی مزدور با تقاضای نوجه به "نصایح امام" بخواعد "کسانی که قبول ندارند این طرز تفکر را، صادقانه کارشان را بدهند به کس دیگری انجام دهد"، امری محال است. بنابراین رقابت برای کسب بیشترین و موثرترین اعرمهای قدرت تشدید می‌شود. با تشدید رقابت بین جناحها برده‌های وحدت به‌طور کامل کنار زده می‌شود. دوران انتقادهای "سازنده و سالم" بسر می‌آید، و دوران "تضعیف" فرامی‌رسد. رفسنجانی دوران "تضعیف" را چنین توصیف می‌کند: "تضعیف‌حالت کینه‌توزی و رقابت است آن چیزی نیست که لااقل خودمان در اظهاراتمان نفهمیم که چکار می‌کنیم. مردم می‌فهمند. الان چند خطوط و مواضع مشخص است که عمه می‌فهمند که وقتی فلان کس حرف می‌زند چی را دارد تحلیل می‌کند." در ادامه‌ی منطقی چنین روندی درگیریهای لفظی و درگیری بین طرفداران جناحها در نماز جمعه‌ها، کمیته‌ها و دیگر ارگانها، به مرحله‌ی بالاتری از رقابتهای یعنی استفاده از اعرمهای قدرت و اعمال زور بین جناحهای درون حاکمیت منجر می‌شود. بازداشت عده‌ای از دست‌اندر

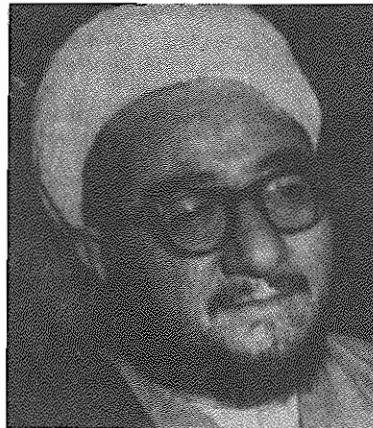
کاران سابق نخست وزیری که در بین آنان خسرو تهرانی که تا چندی پیش مسئول سازمان اطلاعات رژیم بود، و محمد تقی محمدی کاردار ایران در افغانستان که با "استفاده از غفلت مامورین" خودکشی کرده است، قرار دارند، بیانگر این مرحله از اختلافات جناحهای حاکمیت است. اسماعیل فدایی نماینده‌ی اراک در مجلس می‌گوید: "ولی برنامه‌ی حزب جمهوری و انفجار نخست وزیری پیش می‌آید که عوامل این براندازی عنوز زنده‌اند و چه بسا که در تدارک توطئه‌ای بزرگ‌تر و عمیق‌تر می‌باشند که دستگاه قضایی باید برای حفظ انقلاب شور انقلابی به خود گیرد و متهمان را دستگیر و به محاکمه‌ی علنی در مقابل صاحبان انقلاب یعنی مردم و خانواده محترم شهدا بپردازد." این عوامل کهنه‌کارتر گشته و می‌توانند با تاکتیکهای قوی‌تری عناصر صالح و دلسوز جامعه را با هو و جنجال و با کمک عده‌ای عوام الناس از معرکه بدر ببرند و ترور شخصیتی و یا ترور فیزیکی نمایند." (کیهان ۴ خرداد) در همین رابطه شصت تن از "شخصیتهای سیاسی" به خمینی در اعتراض به بازداشت این افراد که "بیش از چند ماه است" به "بند کشیده" شده‌اند، نامه‌ای ارسال می‌کنند. خلخالی در اشاره به این نامه در مجلس می‌گوید: "نباید خیال کرد که دولتی که در حمایت مجلس است و امام آنرا تایید می‌کند با این ترفند عا حمله کنیم و بگویم... از اعلامیه دادستانی در براءت خسرو تهرانی و رفقای آنها که به جرم واعی و سرهم‌بندی شده گرفتار شده بودند عمه مطلع شدند. بعضی از اینها دو ماه و بعضی سه ماه و بعضی چهار ماه گرفتار شده‌بودند. آخر الامر یوسفان زمان سر فراز از زندان

بیرون آمدند. بعضیها در مجلس و خارج مجلس هستند که هم قاضی می‌شوند و هم مدعی." (کیهان ۱۱ خرداد) به دنبال انتخابات ریاست جمهوری، و مخالفت گروه ۹۹ نفری با نخست‌وزیری موسوی اختلافات هیات حاکمه وارد فاز جدیدی شد. در این فاز اگرچه با حذف حجتیه‌ایها، تغییر اسامی جناحهای متضاد به طرفداران "فقه سنتی" و "فقه پویا" صورت پذیرفت، ولی مضمون اصلی اختلافات تنبیری نیاقت. اما وجه مشخصه این فاز در مقایسه با دیگر مراحل تناقضات هیات حاکمه، ترکیب جدید جناح مخالف نخالته گنبد شده‌ی دولت در بخش اقتصاد بود. این ترکیب جدید که در مجموع آراء لیبرالها و طرفداران آزادی فعالیت نامحدود سرمایه و عناصری همچون آذری قمی را با خود دارد، در مقایسه با دیگر گروههای مخالف دولتی کردن کارها، از آنچنان موقعیت ویژه‌ای برخوردار است که آشکارا در مقابل رای خمینی به نخست‌وزیری موسوی جبهه می‌گیرد.

خمینی در سخنرانی عید فطر خود وجود "جناحها" را به رسمیت می‌شناسد، و رفسنجانی در مصاحبه‌ی ۲۰ خرداد ۶۵، در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران می‌گوید: "البته در ایران هم مثل سایر جاها اختلاف نظر در مسایل کشور وجود دارد خصوصا الان دو جناح نسبتا قوی در کشور ما هستند که اینها بر سر نحوه اداره و نقش دولت و بخش خصوصی در امور اختلاف نظر دارند که این دو جریان در مجلس هم هست. در دولت هم هستند در بین علما و طلبه‌ها هم هستند بین دانشکامیان و کل جامعه این دو طرز تفکر وجود دارد. این تفکرها در تشکیل دولت و تعیین وزیر و در مسئولیتها همیشه برخورد می‌کنند. شاید در حقیقت دو حزب بی‌نام و نشان باشند. یعنی اگر این دو جریان در غرب بود تبدیل به دو حزب می‌شدند ولی در اینجا

دو حزب مجزا نشده‌اند. حتی در داخل حزب جمهوری اسلامی هم این دو طرز تفکر وجود دارد و دو جناح هستند." (روزنامه‌ی رسالت، ۲۱ خرداد)

اما نکته‌ی اساسی در این اعتراف به وجود دو حزب "بی‌نام و نشان"، نه در صراحت این اعتراف بلکه انگیزه‌ی چنین اعترافی است. چراکه شکل‌گیری این دو "حزب" از مدتها قبل توسط دستجات این دو "حزب" در سخنرانیها و مقالات بی‌شمار اعلام گشته بود. و برخلاف گفته‌ی رفسنجانی آنچنان عم "بی‌نام و نشان" نیستند. مهدی شاملو در مجلس می‌گوید: "در مقابل با افراد و جناحهایی که با چهره حمایت از قانون و تحت لوای دفاع از مرحوم آیت‌الله کاشانی و شعار کهنه شده‌ی راستی و آزادی حرکت می‌کنند... عوشار باشید که قدرت به جناحی که موسس آن برای رفاندوم قانون اساسی صراحتا گفته که چنین قانونی را اگر تمام دنیا رای بدهند، من نخواهم داد، نرسد... این حزب (حزب زحمتکشان؟!) تحت عنوان دفاع از فرهنگ ایران با عبارت لا اله الا الله در پرچم جمهوری مخالفت کرده و می‌گوید: این حکومت اول کاری که می‌کند، فرهنگ ایران را زیر پا می‌گذارد



خلخالی، جلال معروف، یکی از مدافعان دولت موسوی

و اول کاری که می‌کند، شیرو خورشید را دور می‌اندازد. لا اله الا الله کلمه

مقدسی است ولی من عیچگاه روی پرچم ایران آنرا به شیرو خورشید ترجیح نمی‌دم... (کیهان ۱۳ خرداد)

روزنامه‌ی کیهان ۸ خرداد طی مقاله‌ای به قلم مهدی نصیری، پس از برخورد با "حزب بی‌نام و نشان و مبتذل به اصطلاح ولایتی‌ها"، که با مخالفت با جنگ سخنرانی ۴ فروردین خمینی را سبب شدند، می‌نویسد: "این چه جریان مرموزی است که سعی دارد با به‌کار گرفتن عناوینی مقدس و ستوده، در داخل صفوف متحد مسئولان و دست اندر کاران نظام مقدس جمهوری اسلامی مرزبندی و صف‌بندی نماید... یا به این انگیزه است که با این اصرار افراطی بر این عناوین، نهادهای جمهوری اسلامی مثل مجلس، دولت و قوه قضائیه را به زیر سؤال ببریم و مترصد باشیم که عرکاه طرحی در خدمت به مردم محروم و پیشرفته انقلاب عرضه گردید مثل لایحه مالیات، اصلاحات ارضی، تجارت خارجی، تعاونیها و اصل ۴۹... فریاد و اسلاما و اشرا بلا رود که اینها خلاف اسلام فقاعتی و فقه سنتی است تا مانع از اجرای آنها شویم... ضرر بسیار مهم دیگر این نوع تفکر این است که عده‌ای در مقابل امام و رهنمودهای ایشان کستاختی نموده و استبداد به‌رای را در مقابل آراء امام بیابند که متاسفانه گهگاهی اینگونه حرکتها مشاعده می‌گردد."

همچنین خامنه‌ای در ملاقات با آذری قمی و دیگر اعضای بنیاد رسالت و روزنامه‌ی رسالت که مبنای کارشان "حرکت بر اساس اسلام و فقه سنتی است"، می‌گوید: "متاسفانه جریان و دسایسی که یقینا خودبخودی عم نیست و از یک جاهایی هدایت می‌شود کوشش دارد که شعارهای اصلی انقلاب را که همان شعارهای اسلام است به یک طرف خاصی بکشاند و یک جمعی از افراد را که از لحاظ وفاداری به اسلام و وفاداری به انقلاب

و سوابق انفلابی چهره‌ای مشخصی هستند بیگانه از این شعارها معرفی کند. مثل شعار حمایت از مستضعفین که متاسفانه جانداخته‌اند که یک عده‌ای طرفدار مستضعفین و عده‌ای طرفدار فقه سنتی هستند، گوئی این دو موضوع قابل جمع نیست." (کیهان ۱۷ اردیبهشت)

آری علت اصلی اعترافات رفسنجانی عمان است که خمینی، بندباز کهنه‌کار را روز عید قطر به روی صحنه آورد تا به طرفداران "دولت ساذری" بگوید: "مردم (سرمایه‌داران) را در امور شرکت دهید. در تجارت شرکت دهید. در عمه امور شرکت دهید."

بورروازی تجاری که از نظر بهزاد نبوی " سرمایه‌داری نوپایی " که در حال شکل گیری است، و از دید خوئینیها "گرومهایی که حرفهای انقلاب را درک نکرده‌اند و حرفهای ۵۰ سال گذشته را می‌زنند"، و به عبارتی در حال و عوای دوران مناسبات ماقبل سرمایه‌داری بسر می‌برند، برای حفظ موقعیت موجود و سودهای کلان تجاری که بعد از انقلاب نصیبش شده است، همچنان برروی تجارت آزاد در زمینه‌های واردات و صادرات، رفع محدودیتهای ارزی و به یک کلام برجیده شدن شرکونه کنترلی از حیطه‌ی عملکرد سرمایه اصرار می‌ورزد. این بخش از بورروازی با کاهش قیمت نفت و تعمیق بحران اقتصادی و کسری عظیم بودجه زمینه را برای کوبیدن همجانبه‌ی مواضع طرفداران " دولت ساذری " فراهم یافت. از این رو با استفاده از کلیه‌ی اهرمهای سیاسی و اقتصادی خود تهاجم گسترده‌ای را بر علیه جناح رقیب آغاز کرد، و در این راه برای به زانو درآوردن رقیب قدرت اقتصادی خود را تا آنجا به کار برد که لقب " تروریستهای اقتصادی " را از جناح مقابل گرفت. نماینده‌ی دورود در مجلس می‌گوید: "تعدادی غرلحظه‌برای دولت مساله ایجاد می‌کنند تا خدای ناکرده دانسته‌یاندانسته

برای دولت مشکل تراشی کنند از تروریستهای اقتصادی گرفته تا جریانهای منحرف و ورشکستگان به تقصیر سیاسی و دیگران که نمی‌خواهم به جزئیات آن بپردازم." (کیهان ۲۵ اردیبهشت) اما موسوی نخست وزیر با حاد شدن تضادها در مصاحبه‌ی ۲۱ خرداد خود



آذری قمی یکی از سران مرتجع مخالف دولت موسوی

به کوشای از این "جزئیات" پرداخته و می‌گوید: "طبیعتا ما به‌خاطر وضعیت خاص اقتصادی کمبودهایی داریم و برای مقابله با این مشکل طرحهایی نیز آماده شده است. ولی اینکه عده‌ای جانی و خیانتکار به‌عنوان نمونه چای را در سطح کشور جمع می‌کنند این قطعا دست ضدانقلاب و عده‌ای زراندوز در میان است که بایستی با آنها برخورد شود و مردم نیز باید نسبت به وجود این جریانات آگاه شوند." (کیهان ۲۱ خرداد)

در این میان بهزاد نبوی نیز که مرعوب قدرت رقیب گشته "فشار" را قبول می‌کند. وی می‌گوید: "طبعاً فشار وجود دارد... در مورد فعالیت و بهره برداری بخش خصوصی در تجارت و یا سایر زمینه‌ها ناشی از فقدان قانون و ضابطه است. اصل ۴۴ گفته باید این امر تحت نظارت دولت باشد... طبعاً ما نمی‌توانیم به قانونی که خود ما قبول داریم عمل نکنیم. بنابراین من این را رجعت به بخش خصوصی و رشد و توسعه بخش خصوصی نمی‌دانم. من فقط این را نوسانات سیاسی می‌دانم که قطعا بر حرکت بخش خصوصی و حوزه فعالیت وی اثر می‌گذارد." (کیهان، ۲۴

اردیبهشت ۶۵) از سوی دیگر طرفداران نمرکز و نظارت " شورای جنگ " یا " دولت انقلاب " بر امور که "شاهد طرحها و لواجیحی در جهت افزایش اختیارات بخش خصوصی " اند، در مقابله با این "نوسانات سیاسی " خواغان " قلع و قمع " عاملین "نوسانات" می‌کردند. یکی از طرفداران این " قلع و قمع " طی مقاله‌ای در کیهان ۶ خرداد می‌نویسد: "در بخشی از جبهه داخلی گرومهایی از بخش خصوصی همچون خوره بجان مردم و انقلاب افتاده و به تضعیف و تخریب نظام مشغول‌اند. و در کمال بی‌پروایی بنارت اموال و اختکار و گرانفروشی روزگار سیری می‌کنند. بدون اینکه کوچکترین ترس و واغمه‌ای از دستگاه قضایی کشور داشته باشند. آنان قوانین مصوبه در سال ۱۳۵۳ را که برای آنان مجازاتهایی تا حد اعدام در نظر گرفته است منسوخ شده می‌دانند و چون قانون دیگری نیز جایگزین آن نشده جای هیچگونه بیم و هراسی نمی‌بینند... انتظار حزب‌الله از دستگاه مقننه و قضائیه جمهوری اسلامی در مقابله با محتکرین و قلع و قمع آنان بمراتب بیش از مقابله دستگاه طاغوت با این جماعت است... و بالاخره در این شرایط حساس" برای حفظ انقلاب و نظام تصویب فوری یک سری قوانین خاص زمان جنگ مسلما یک ضرورت است که فردا خیلی دیر است."

با تشدید اختلافات امر حصول شکل نهایی این دور از کشاکش قدرت با گذشت هر روز به امر مبرم حاکمیت جمهوری اسلامی بدل می‌شود. اما حصول به این شکل نهایی خود در صحنه‌ی نبردی آشکار و بی‌امان که دو جناح با تمام قوا در مقابل هم صف آرایی کرده باشند امکان پذیر بود. از سوی دیگر، خود این شکل نهایی نمی‌توانست چیزی به جز به رسمیت شناختن وجود دو " حزب بی‌نام و نشان " و تداوم

قدرتمند بحران انقلابی در جامعه باشد. اگرچه این اعتراف صریح به وجود " دو جناح " شکستی برای کل جمهوری بود، ولی برای طرفداران " فقه سنتی " پیروزی محسوب می‌شد. بر این اساس بود که با طرح تدوین " ذیحجه نحوه مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش و اداره مدارس غیر انتفاعی " توسط آموزش و پرورش به عنوان مناسب‌ترین صحنه برای نبرد تعیین‌کننده که تحت لوای " مشارکت مردم "، یعنی مشارکت بخش خصوصی، مضمون اصلی اختلافات را نیز منعکس می‌کرد، انتخاب شد. اخراج مدیر منتخب آموزش و پرورش از سوی گردانندگان و اولیای دانش‌آموزان دبیرستان " شهید چیت‌چیان " به مثابه‌ی شیپور آغاز نبرد نواخته می‌شود. در این رابطه مدیر کل آموزش و پرورش تهران می‌گوید: " وقتی مذاکره پیرامون مدارس غیر انتفاعی در مجلس شروع می‌شود بی‌حرمی و اعانت به مدیر قانونی در این مدرسه شدت می‌یابد و بالاخره در روز پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه به بهانه اینکه مدارس انتفاعی تصویب شد عده‌ای در دبیرستان شهید چیت‌چیان تجمع کرده و مدیر قانونی را از مدرسه بیرون می‌کنند ... لذا اینجانب در مقابل این حرکت زشت و غیرقانونی، انحلال دبیرستان شهید چیت‌چیان و مدرسه راهنمایی مدرس را بصورت مشروط اعلام میدارم " (کیهان، ۳۱ فروردین ۶۵) طرفداران جناح دیگر نیز بی‌کار ننشسته و با صدور اطلاعیه‌ها و نامه‌های سرکشاده خواعان انحلال این مدارس و حذف کلمه‌ی " غیر انتفاعی " از ماده‌ی واحده مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش می‌گردند. نمایندگان دو جناح در مجلس در مقابل عم صف آراییی می‌کنند.

مهدی مهدوی می‌گوید: " حال بعد از ۸ سال بخاطر اینکه در بودجه اشکالی پیش آمده باز دو مرتبه مدارس غیر

دولتی دایر بشود و بکعبه از افراد متمکن بجه‌هایشان را به این مدارس بفرستند ".

مریم بهروزی می‌گوید: " از افتخارات این مدارس که مدارس خوبی عم‌گستند فرزندان شهدائی مثل شهید بهشتی و باعمر در عمین مدارس تحصیل کردند و جوانان خوبی تربیت شدند ".

اکرمی وزیر آموزش و پرورش می‌گوید: " مطمئنا گروه‌های خاص سیاسی با زیرکی که دارند در این مدارس جا باز خواهند کرد و از آن به سود خود استفاده می‌کنند، آنها با قیافه ظاهر الصلاح وارد می‌شوند و اسلام بدون ولایت فقیه و اسلام بدون محتوا را جا می‌اندازند " (کیهان، ۲۵ فروردین ۶۵)

در این کشاکش بار دیگر انجمن حجتیه حضور می‌یابد و گفته می‌شود که مدارس چیت‌چیان و مدرس توسط " تنی چند از اعضای باسابقه انجمن منحلّه باصطلاح ضدبهاثیت " اداره می‌شوند. اما این بار این انجمن " منحلّه "، وزیر آموزش و پرورش را برای استیضاح به مجلس می‌کشاند تا به قدرت آن اعتراف کند و بگوید: " با فشار بعضی اولیاء آنها نه عمه اولیاء این آقای مدیر که غیر قانونی است آنقدر از مقام بالا به اتکاء بعضی از برادران سخن می‌گوید که هفته گذشته وقتی آمدند یکساعت صحبت کردیم آخر باین نتیجه رسیدیم که این دو تا مدرسه بروند امتحان بدهند و من عم بگویم منحل نشود. می‌گوید نه این را باید دفتر جناب آقای عاشمی بما بفرمایند اینطور از موضع بالا سخن می‌گویند. جناب آقای هاشمی بفرمائید که من چکار کنم. وقتی طرف از چنین موضعی برخوردار می‌کند چگونه میشود دو تا مدرسه را اداره کند. این بخاطر حمایت‌هایی است که از اینها صورت می‌گیرد " (کیهان، ۳ خرداد ۶۵)

مجموعه‌ی این عوامل بود که روز عید

فطر خمینی را به صحنه آورد تا با " عمان لحن عارفانه و دلسوزانه " وجود جناحها را به رسمیت بشناسد و با تاکید بر حیات مسالمت آمیز آنها در کنار یکدیگر جلوی " فتنه " را بگیرد. سپس، رفسنجانی به تفسیر سخنان امام برخاسته و می‌گوید: " از ویژگی‌های رهبری امام این است که مسائل خاصی را در آن مقطعی که فکر می‌کنند لازم است ملت مسلمان بدانند مطرح می‌کنند و درست مثل طبیب حاذقی در موقع مناسب دستورات لازم را می‌دهند. ما اگر از این نعمت الهی استفاده نکنیم حقیقا شکر این نعمت را بجا نیاورده‌ایم و کفران نعمت در چنین شرایطی استحقاق عذاب سنگین دارد. دو سه نکته بسیار مهم است که تحقیقا اگر امام اشاره نمی‌کردند ما فتنه داشتیم در آنها و جلوی فتنه را گرفتند مگر اینکه اشخاصی دیگر مریض باشند و عوایعی دیگر داشته باشند ... نکات خاصی را امام در دو سه موضوع اشاره کردند که از سر آن به آسانی نمیتوان گذشت این درد و نیاز را امام احساس می‌کند که امروز جامعه نیاز دارد که از امکانات مردم استفاده کنیم برای این کمبود ... خواهش می‌کنم آقایان این را محور اتحاد قرار بدعیم الان دو جناحی که در مملکت وجود دارند و طرز تفکری است " (کیهان، ۲۰ خرداد ۶۵) اما امر رهایی از " فتنه " برای جمهوری اسلامی ممتور نیست. این " فتنه " معلول بحران انقلابی است که جمهوری اسلامی را از بدو تولدش مستحق " عذاب سنگین " کرده است. این " فتنه " آن طوری که نخست وزیر جمهوری فکر می‌کند با حذف " نفسانیت " از بین نخواهد رفت. این جمهوری تنها زمانی از " فتنه " رهایی خواهد یافت که با تسریع رسالت خویش در تعمیق بحران انقلابی، زمان وقوع " عذاب سنگین " یعنی انقلاب را تسریع کند. ■

جمهوری اسلامی از نزدیکی عراق و سوریه نگران است

در طول دو ماه گذشته کوشش وسیعی از جانب برخی کشورهای عربی و غیر عرب به منظور بهبود روابط بین عراق و سوریه صورت گرفته است. از سویی عربستان سعودی، نگران از گسترش دامنه‌ی جنگ، تضعیف دولت حاکم در عراق و برغم خوردن موازنه‌ی قدرت در منطقه، خواهان به وجود آمدن روابط حسنه بین سوریه و عراق است. دولت عربستان سعودی که هر ساله کمکهای مالی قابل ملاحظه‌ای عم به سوریه و عم به عراق می‌کند از این امر استفاده کرده تا با اعمال فشار بر دمشق و بغداد اسباب نزدیکی

غرب و به خصوص آمریکا است از نفوذ خود بر دولت سوریه استفاده کرده، حافظ اسد را تشویق به آشتی با عراق می‌کند. عمه‌ی این عوامل به علاوه‌ی وضعیت وخیم اقتصادی سوریه، اسد را مجبور کرده است تا گامهایی در این جهت بردارد.

اما رژیم جمهوری اسلامی نیز که برای حفظ روابطش با سوریه، به عنوان مهم‌ترین متحد خود در پهنه‌ی جهانی، اهمیت فراوانی قابل است، اخیرا به چنان تکاپویی افتاده تا از نزدیکی سوریه با دولت صدام جلوگیری به عمل آورد. جمهوری اسلامی، با تهدید

و سرکوب امل وادار خواهند ساخت. در کنار این تهدیدها رژیم عمچنین به مقامات سوری قول داد که ارسال نفت مجانی به این کشور را که در اثر تیرگی روابط و ورشکستگی رژیم قطع شده بود، از سر خواهد گرفت.

آنچه مسلم است، گردهم آیی وزرای خارجه‌ی عراق و سوریه که قرار بود روز جمعه ۱۳ ژوئن در منطقه‌ای در مرز دو کشور صورت گیرد، يك روز قبل از این موعد به درخواست سوریه، برای مدت نامعلومی، به تعویق افتاد. اما سؤال این است که چرا مقامات سوری تا آخرین ساعات روز ۱۲ ژوئن، درخواست تعویق ملاقات با مقامات عراقی را به تاخیر انداخته‌اند. برخی معتقدند که جواب به این سؤال در ملاقات بین عبدالحلیم خدام، معاون رئیس جمهور سوریه و، بشارتی فرستاده‌ی رژیم که در عمین روز صورت گرفت، نهفته است. روزنامه‌ی السیاسیه چاپ کویت در شماره‌ی ۱۷ ژوئن خود در این باره می‌نویسد: "در آخرین روز، پیامی از تهران به دمشق رسید و بهایی برای به تعویق انداختن ملاقات مورد نظر پرداخت شد."

تعبیر دیگر این جریان می‌تواند این باشد که سوریه در نظر دارد تا به طرح مناسبی برای بهبود روابط با عراق و در عین حال حفظ مناسبات با جمهوری اسلامی دست یابد. البته، کمکهای چند صد میلیون دلاری عربستان سعودی و حمایت عمه جانبه‌ی شوروی از دولت اسد به مراتب حیاتی‌تر از روابط این کشور با جمهوری اسلامی است. چنانچه سوریه نتواند موازنه‌ای در روابط خارجی خود با عراق و ایران ایجاد کند و مجبور به انتخاب یکی از این دو باشد به نظر می‌رسد که دورنمای نزدیکی با عراق، از آنجا که این حرکت به شکل مناسبی در چارچوب اهداف دراز مدت سوریه و نقش آن در منطقه می‌گنجد، بسیار محتمل‌تر است. □



ملك حسين پادشاه اردن که اخیرا با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه آشتی کرده است، در نزدیک کردن عراق و سوریه نقش مهمی داشته است.

و رشوه موفق شده است موقنا وقفه‌ای در پیروسی نزدیکی دو کشور فوق ایجاد کند. سردمداران جمهوری اسلامی طی ملاقاتهای پیاپی خود با مقامات دولتی سوری به آنها اعلام داشتند که در صورت بهبود روابط سوریه و عراق، ایران از نفوذ خود در میان اخوان المسلمین استفاده کرده، آنان را تشویق به ایجاد اغتشاش در سوریه خواهند کرد و عمچنین در لبنان نیز نیروهای حزب‌الله را به برخورد نظامی

آنها را فراغم آورد.

از سویی دیگر، ملك حسين در راستای اهداف " طرح صلحی " که وی به پیشنهاد و نظارت دولت آمریکا ندوین کرده است، در ماعهای گذشته، فعالیت شدیدی را برای ملاقات و مذاکره‌ی مستقیم بین صدام حسين و حافظ اسد آغاز کرده است. عمچنین دولت شوروی که نگران گسترش روابط اقتصادی و نظامی عراق با دنیای

شوراهای اسلامی

و افراد ساده لوح

بعد از مدتها مجددا تشکیل شوراهای اسلامی در مجلس رژیم طرح شده است. آنچه مسلم است دین اسلام اساسا با شورا متضاد است، چرا که اسلام دین تسلیم و بندگی در مقابل خدا و نمایندگان زمینی اوست. دین اسنیداد است چون که خدا میگوید: "و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون"، یعنی پریان و آدمیان را جز برای بندگی خود نیافریده است. از این رو طرح این شوراها در شرایط تعمیق بحران توسط رژیم نیز هدفی بهجز مقابله با بحران و ایجاد زمینههای لازم برای به خدمت گرفتن تودههای زحمتکش در راستای سیاستهای جنگ طلبانهی رژیم ندارد و ابزاری جدید برای تصفیه حسابهای جناحهای متضاد درون حاکمیت است. اما عمین شوراهای کذایی نیز که با توجه به مفاد وظایفشان محدودیت آنها در مقایسه با انجمنهای شهر و روستای آریامهری مشخص است، با سخنرانیهای متعدد در این باب طرح می شود تا مگر "افراد ساده لوح" به فکر شرکت در تصمیم گیریها نباشند، و اینکه مبادا رابطه امت و امام مخدوش شود، چون در غیر این صورت همانطوری که موسوی اردبیلی میگوید: "اگر رابطه مردم با امام مخدوش شود من اعلام خطر می کنم زیرا حل مشکلات بدون رعب امکان ندارد." (کیهان ۲۰ اردیبهشت)

همچنین خلغالی جنایتکار تناقض اسلام و شورا را چنین حل می کند: "یر واضح است که در مقابل اراده حتمی و قطعی خداوند و رسول خدا و همچنین ولی فقیه، امت نمی توانند ایستادگی کنند و مخالفت خود را ابراز دارند. بنابراین ممکن است افراد ساده لوح

گسترش اعتیاد به مواد مخدر در مدارس

مناسبی از عمان ابتدا دانش آموزان را متوجه خطرات اعتیاد نمود و تعلیمات لازم در برخورد با مساله اعتیاد به معلمان داده شود." (کیهان ۲۲ اردیبهشت)

همچنین در این قطعنامه به طور مضحکی "تقویت بنیادی اعتقادی و دینی" به عنوان راهحلی جهت مقابله با اعتیاد قلمداد می شود. اما باید گفت، کجا چاقو دسته خود را می برد، و اینکه کجا اعتیاد به مواد مخدر با افیون دیگری آنها از نوع اسلام معالجه می شود. □

به برکت وجود جمهوری اسلامی اعتیاد به مواد مخدر به طور بی سابقه ای گسترش یافته است. در سایه حمایتیهای رژیم این عیولای نفرت انگیز به تنها بر تعداد قربانیان خود افزوده است بلکه بیشترین قربانیان خود را از میان دانش آموزان می گیرد. طی قطعنامه ای که در "سمنار بررسی اعتیاد" مزدوران رژیم صادر شد، در این رابطه گفته می شود: "با توجه به اولویت پیشگیری به درمان و ضرورت دادن آگاهیهای لازم به عموم در مورد خطرات و عواقب سوء اعتیاد لازم است در کتابهای درسی مدارس با شیوه های



نمی تواند بدون در نظر گرفتن مسایل مهم اسلامی مساله ای را به مشورت بگذارد که خدای ناکرده سراز شورای کمونیستی، الحادی، سوسیالیستی و یا سرمایه داری بی امان از مقوله آمریکایی حاصل و نتیجه آن مشورت باشد." (کیهان ۲۴ اردیبهشت) □

خیال کنند که بین مساله شوراها و ولایت فقیه تضاد یا تناقض برقرار است. حال آنکه اینطور نیست... کلیه روشهای صحیح در مسایل اساسی مانند جهاد، قضاوت، اداره مملکت و اقتصاد صحیح در چارچوب قوانین اسلام صورت می گیرد و هیچ کس

تزه‌های علمی و تحقیقی "رفسنجانی در مورد زنان"

در این زمینه پرداخت و گفت تفاوت اندام قد، خشونت، صدا، رشد، کیفیت عضلات



رفسنجانی مزدور در مائهای اخیر رسالت تفسیر سیاستهای ارتجاعی رژیم در مورد زنان را عهده‌دار شده، و در عمر سخنرانی خود گوشه‌هایی از این سیاستها را به نمایش گذاشته است. رفسنجانی این بار نیز در خطبه‌ی نماز جمعه‌ی ۱۶ خرداد با ارائه‌ی یکسری خزعبلات "علمی و تحقیقی" صفحه‌ی جدیدی بر کارنامه‌ی درخشان خود در زمینه‌ی شارلاتانیسم افزود. گزارشگر کیهان می‌نویسد: "امام جمعه‌ی تهران در توجیه تفاوت وظایف زن و مرد در خانواده بر اساس توانایی آنها به ذکر پاره‌ای گزارشهای علمی و تحقیقی

و نیروی بدنی، مقاومت در مقابل مصائب و بیماریها در زن و مرد نشان می‌دهند که در تمامی این زمینه‌ها مردها قوی‌تر و تواناترند. اندازه مغز مردها بزرگ‌تر است. بلوغ زنها زودرس‌تر است. قدرت تنفس ریه مردان بیشتر و سرعت ضربان قلب زنها سریع‌تر است. از طرف دیگر تمایل مردها به مبارزه بیشتر است و در مقابل زنها هنجانی‌نرم‌ستند. ضمن آنکه مردها به مسائل استدلالی و عقلی توجه دارند در حالیکه زنها عمدتاً به احساسات متمایل هستند. همچنین روحیه‌ی تحت حمایت فرار دادن در مردان و نیز شجاعت و دلیری قوی‌تر است، در حالیکه زنها ظریف‌ترند و عمدتاً دوست دارند تحت حمایت قرار گیرند."

رفسنجانی مزدور به دنبال این افاضات "علمی و تحقیقی" به مانند دیگر مرتجعین از تکیه بر ارگانیکس بدن زنان به نفی ارزش اجتماعی زنان رسیده، و نتیجه‌گیری ارتجاعی اسلامی خود را ارائه می‌دهد: "این اختلافاتی که وجود دارد در سیردن مسئولیتها، تکالیف و حقوق موثر واقع می‌شود. ما معتقدیم به خاطر اطلاعی که شارع اسلام از وجود انسانها دارد، برنامه مناسبی را ارائه داده است." □ (کیهان ۱۷ خرداد)

پاسخ مثبت سرمایه‌داران فراری

به فراخوان موسوی

به دنبال فراخوان موسوی نخست وزیر ارتجاع، سرمایه‌داران فراری لبیک گفته و به سوی "رحمت جمهوری اسلامی" شتافتند. موسوی چندی پیش با سخن راندن از "رحمت جمهوری اسلامی" و "حوبی"های استثمار شرعی و اسلامی، از سرمایه‌داران فراری دعوت به عمل آورد، و گفت: "به آن عده‌ای که دچار خوف شده و به خارج رفته‌اند می‌گوییم

شیوه‌های رژیم در سرکشیسه کردن توده‌ها

و نوسازی مناطق جنگ‌زده و کمک به مهاجرین جنگ تحمیلی قرار دارد و مردم خیر ما می‌توانند از این طریق برای بازسازی مناطق جنگ‌زده کمک نمایند." (کیهان ۶ خرداد) دو نمونه از این "کمک به مهاجرین جنگ تحمیلی" بدین شرح است:

نماینده‌ی خرمشهر و شادگان: "جیره مهاجرین و کرایه‌خانه آنها و حق مستضعفین و بی‌سرپرستان حدود دو یا سه ماه و یا چهار ماه عقب مانده است. این موضوع باعث شده تا مهاجرین محترم حتی بعضی از آنها دست تکدی به این و آن دراز کنند و وضع بسیار ناانگیزی دارند." (کیهان ۴ خرداد) و یا در فرم شرایط و اذکاری زمین به مهاجرین جنگی آمده است: "۶ - متقاضی باید تعهد کتبی مبنی بر خودکفایی دانشی اسکان بنماید. ۷ - متقاضی باید توان احداث ساختمان را داشته‌باشد." (کیهان ۳۰ اردیبهشت) □

رژیم جمهوری اسلامی در جهت اهداف ارتجاعی خود، تنها به سرکشیسه کردن توده‌های زحمتکش با استفاده از شیوه‌های معمول بورژوازی از قبیل افزایش مالیاتها، افزایش جریمه‌ها، کسر حقوق و جزاینها اکتفا نمی‌کند، بلکه فرهنگ سیورسات و سرچفتی اربابی را نیز به‌کار گرفته است. اگر در گذشته‌ی نچندان دوری اربابان تحت عناوینی از قبیل دادانه، شادانه، پول کفن مادر ناصرالدین شاه، مالیات قبرستان، کله خرواری، توده‌های زحمتکش را می - چاییدند، رژیم جمهوری اسلامی نیز با شماره‌ی ۱۰۰ امام، و صد هاستدوق شماره‌دار دیگر سیورسات می‌گیرد. یکی از این شماره حسابها شماره‌ی ۲۲۲ است. در رابطه با این شماره حساب معاون نخست وزیر می‌گوید: "حساب شماره ۲۲۲ بانک مرکزی که پنج سال پیش به ابتکار شهید رجایی افتتاح شده است همچنان در خدمت جنگ و بازسازی

که این وحشت دلیلی ندارد کشور مادر وضعیتش است که اگر افراد بتوانند خود را با فرهنگ جامعه مطابقت دهند می‌توانند زندگی خوبی در اینجا داشته باشند" (کیهان ۲۳ اردیبهشت)

سرمایه‌داران نیز موسوی مزدور را زیاد در انتظار نگذاشته و در اولین فرصت حرکت می‌کنند. روزنامه‌ی کیهان می‌نویسد: "حسین حرّاتی باجناق غلامرضا پهلوی به همراه دوتن از یارانش به اسامی فنادیان و کاشفی که هر سه پس از انقلاب به خارج از کشور رفته بودند فریب یک عفته قبل به کشور بازگشته و در شهر اصفهان ظاهر شدند... یک مقام مطلع در اداره‌ی امور ورشکستگی طی تماس با خبرنگار ما اعلام کرد: عمال آقای حرّاتی به دنبال بازپس‌گیری و آزاد کردن اموال وی از توقیف هستند و چندی قبل عم کارخانه آجر محک متعلق به آقای کاشفی به وی بازگردانده شد" (کیهان ۸ خرداد)

موسوی همچنین خطاب به مجاهدین اظهار داشت: "توصیه ما این است پس از این همه مدت که شما ((مجاهدین)) زیر سلطه‌ی آمریکا و نلت دولتهای خارجی بوده‌اید و حتی با صدام هم ارتباط برقرار کرده‌اید الان بهتر است که به زیر پرچم اسلام و سایه اسلامی برگردید" □

رژیم برای تامين مالی

به هر حيله‌ای متوسل می‌شود

نمایندگان رژیم ورشکسته‌ی جمهوری اسلامی در کشورهایی که دین رسمی‌شان اسلام است، به منظور جمع‌آوری کمک‌های مالی از مردم ناآگاه این کشورها، به هر حيله‌ای متوسل می‌شوند. در ادامه‌ی این سیاست، نماینده‌ی دفتر

اردوگاه برای زنان "بدحجاب"

اخیرا پیرو اطلاعیه‌ای که "کمیته‌ی انقلاب" در مورد برخورد با بدحجابی صادر کرده است، در میدان امام حسین و چند نقطه‌ی دیگر تهران، دخترها و پس‌ربایی که لباسهای روشن به تن می‌کنند، دستگیر می‌شوند. در گرمای شدید، همه باید لباسهای تیره رنگ به تن کنند. مثلا پاسداران چندی پیش پسری را که بلوز قرمز رنگی پوشیده بود، کتک زدند، اگرچه پیراهنش آستین بلند بود.

زنان را نیز به خاطر بدحجابی به اردوگاه ویژه می‌فرستند و مدتی که در اردوگاه هستند، مخارجشان باید توسط خانواده‌ی آنها پرداخت شود یا باید در اردوگاه کار کنند. □

ضریح امامزاده داوود

سرقت می‌شود

در یکی از شبهای آخر اردیبهشت ماه ضریح امامزاده داوود، یکی از زیارتگاههای اطراف تهران، توسط افراد مسلح ربوده می‌شود. تقریباً ساعت ۱/۳۰ بامداد عده‌ای مسلح پایین جاده ایستاده و به هر ماشینی که می‌خواست از آنجا عبور کند می‌گفتند: "حکومت نظامی است و جاده غیرقابل عبور است." عده‌ای از آنها مسلحانه از کوه بالا رفته و قفلها را شکسته و تمام پولها و طلاهای ضریح را برداشته و با خود بردند. مردم محل معتقدند که کسی جز پاسداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی نمی‌توانند چنین آشکارا به سرقت مسلحانه دست زنند. □

ترکیه صدور کالا به ایران را متوقف می‌کند

دریافت داشته بود، به علت عدم آرایه‌ی اعتبارات لازم از سوی ایران صدور این کالاها را قطع کرده است و قبلاً فقط سیصد هزار تن از آن ارسال گردید. همچنین به دلیل این که ایران نتوانست اعتبار جدیدی افتتاح کند کاملاً صدور تولیدات مزبور نا اطلاع بعدی متوقف شده است. □

سه ماه قبل نیز ایران تقاضای حمل ده هزار تن کالای ضروری به ترکیه داده بود که به علت عدم وجود اعتبارات لازم، ترکیه از حمل آنها به ایران جلوگیری به عمل آورده بود. □

با کاهش قیمت نفت و بی‌اعتبارتر شدن رژیم جمهوری اسلامی، حتی کشور در حال سقوط ترکیه که خود در ورطه‌ی بحران اقتصادی شدیدی دست و پا می‌زند، از صدور کالا به ایران خودداری کرده است. طبق گزارش روزنامه‌ی "دیلی نیوز" ترکیه (شماره‌ی ۹ مه ۸۶)، در شروع سال جدید (۱۹۸۶) صادرات ترکیه به ایران و عراق کاهش شدیدی داشته و کماکان سیر نزولی طی می‌کند. رئیس انجمن تولید کنندگان آهن و فولاد ترکیه در این رابطه گفت: "ترکیه که تقاضای ارسال ۱/۵ میلیون تن تولیدات آهن و فولاد به ایران

خمینی در شهر لاهور پاکستان، آیت‌الله حلیمی با استفاده از مبلغین شیعه، کمک به رژیم ایران را از واجبات مذمبی قلمداد می‌کند تا با حيله و تزویر از زحمتکشان فقیر پاکستانی

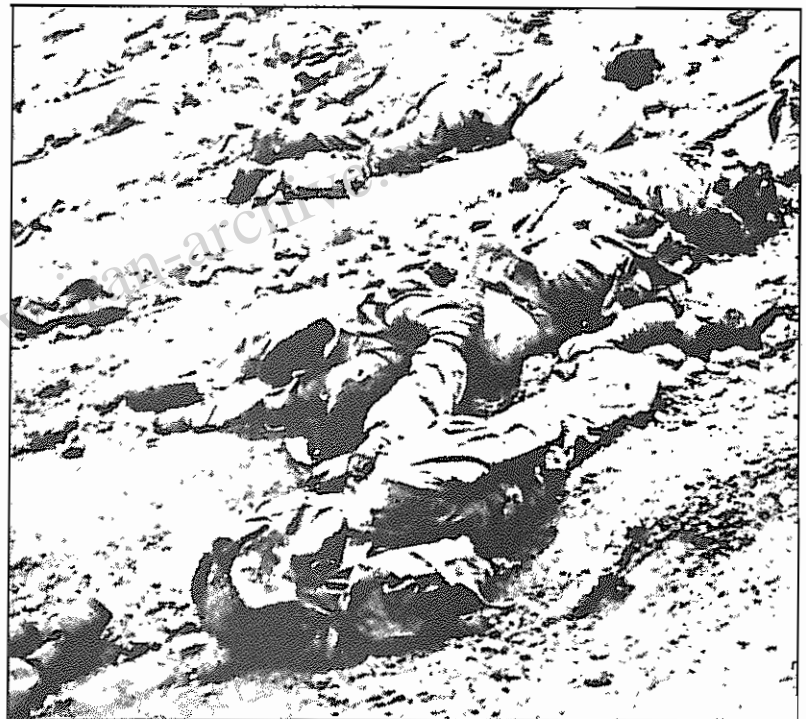
پول جمع آوری کند. رژیم اسلامی ضیاءالحق نیز، با آگاهی از نفوذ رژیم جمهوری اسلامی در بین شیعیان این کشور، شرایط انتقال این کمکها به دولت ایران را فراهم می‌سازد. □

قربانیان جبهه‌های جنگ ارتجاعی افزایش می‌یابد

رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر مرحله‌ی جدیدی از جنگ را اعلام کرده است. اما حقیقت امر این است که رژیم از مدتها قبل این مرحله را اعلام کرده بود و عملیات والفجر ۸ و ۹ بیان مادی این مرحله بود. آنچه که امروز رژیم را به اعلام مجدد این مرحله در شکل و شمایل جدیدی می‌کند، کاهش قیمت نفت و تاثیرات آن بر اقتصاد ورشکسته‌ی رژیم، اقدام به تهاجم متقابل از طرف رژیم عراق و عدم موفقیت

افزایش بیش از پیش تلفات جانی توده‌های زحمتکش در جبهه‌ها ندارد. محسن رضایی مزدور این مرحله را تحت عنوان "مردمی کردن تمام عیار جنگ" توصیف کرده و می‌گوید: "در سال جاری ده‌برابر سال گذشته و مجموعاً بیش از یک میلیون نفر نیرو به جبهه‌ها اعزام خواهند شد." (کیهان ۱۱ خرداد)

همچنین رفسنجانی مزدور در این رابطه می‌گوید: "دشمن با خوردن



رژیم در بسیج توده‌ها است. در شرایطی که رژیم به دلیل ورشکستگی اقتصادی خود قادر به تامین نیازهای ماشین جنگی‌اش نیست، با اعلام مرحله‌ی جدید سعی دارد که ضعف خود را در برابر برتری تکنیکی - نظامی عراق با بسیج عرصه بیشتر نیروی انسانی برطرف سازد. و این مفهومی به‌جز

یک ضربه از یا نمی‌نشیند حامیان بعث عراق و آنها که این جنگ را طراحی کردند تا به آن نقطه یاس نرسند پشت کار را خواهند گرفت... با این حساب ما وارد مرحله‌ی جدید شدیم که به‌نظر رسید باید نیروهای زیادی از مردم را تجهیز کنیم. برای این آمادگی که ما نیاز داریم... ما از ماه گذشته

جذب نیروهای نظام و وظیفه‌ی خود را بیش از دوبرابر کردیم به‌علاوه شورای عالی دفاع تصویب کرد که همین تعداد سربازهایی که اذن موجود هستند و خدمت می‌کنند طبق قانونی که داریم و حق شورای عالی دفاع است دو ماه بر خدمتشان افزوده شود و در جبهه بمانند... هر وقت آن مقدار که فرماندهان جنگ تعیین کردند بر شد حکم و وجوب از دیگران ساقط می‌شود... بنابراین اکنون این تکلیف برگردن عمه هست چون هنوز این حد جدیدی که تعیین کردیم به اندازه کافی بر نشده است و باید کار تسریع بشود. ما زمان زیاد نداریم که صبر کنیم بعد از عمین عفته آینده وقتی که مراسم روز قدس شروع شد و در مراسم روز قدس این مسایل برای مردم کاملاً توضیح داده شود باید عمه استانیها برای اعزام وسیع آمادگی داشته‌باشند." (کیهان ۱۲ خرداد)

طولانی کردن ماه رمضان برای

توده‌های زحمتکش

در شرایطی که توده‌های زحمتکش در بدترین شرایط ممکن زندگی می‌کنند، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از توده‌ها می‌خواهند که به خاطر اعداد ارتجاعی رژیم، ۱۲ ماه سال را روزه بگیرند. صانعی مرتجع در نماز جمعه‌ی قم می‌گوید: "عزیزان من همانگونه که در روزهای ماه مبارک رمضان شما با قدرت ایمان از خوردن و آشامیدن دست کشیدید باید در شرایط فعلی از اسراف و تبذیر بیرعیزید و نسبت به چیزهایی که از خارج وارد می‌شود قناعت کنید... ماچه بخوایم و چه نخوایم و چه بگوییم و چه نگوییم کاهش قیمت نفت در اقتصاد و بوجه ما اثر گذاشته است." (کیهان ۱۱ خرداد)

سندج

ساعت ۱۰ شب ۱۷ فروردین فردی که قبلا معلم بوده، در زیربنای وسط میدان انقلاب با صدای بلند شروع به افشای رژیم ترور و خفقان می‌نماید. مردم به دور او جمع شده و همبستگی خود را با او به نمایش می‌گذارند. مزدوران رژیم میدان انقلاب سندج را به محاصره خود در می‌آورند. پاسداران پس از زد و خورد با معلم مزبور او را دستگیر کرده و برای انتقال وی به مراکز سرکوب خود ناچار به تیراندازی عوایی می‌شوند.

بعد از ظهر روز ۱۹ فروردین حدود

مهاباد

شب چهارم اردیبهشت ماه پاسداران و جاشهای رژیم که در پایگاه "حاجی حسن" منطقه‌ی "شامات" مهاباد مستقر هستند، روستای "قلا" در منطقه‌ی "محال" را به محاصره‌ی خود در آوردند و به بهانه‌ی سرپازگیری اجباری به تفتیش و بازرسی از خانه‌ها پرداختند. مزدوران چند تن از اهالی را برای اعزام اجباری به جبهه‌ها دستگیر نمودند و والدین تعدادی از جوانان روستا را که به سرپازی نرفته بودند نیز دستگیر کردند. اما مردم زحمتکش روستای "قلا" مصمم و استوار در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم به اعتراض پرداختند و اعلام کردند که حاضر نیستند به خدمت رژیم در آمده و قربانی اهداف ارتجاعی آن گردند.

نیروهای سرکوبگر رژیم اخیرا در منطقه‌ی مهاباد به دستگیری دسته جمعی جوانان پرداخته‌اند. چندی پیش تعدادی از مزدوران رژیم، مناطق "کئوک" ۱ و ۲ و ۳ مهاباد را مورد هجوم قرار دادند و خانه‌های مردم زحمتکش این مناطق را به اشغال خود در آورده‌اند. آنها به زور اسلحه وسایل حمل و نقل مردم را در اختیار خود گرفته‌اند تا بدین وسیله ضمن هجوم غافلگیرانه به روستاها، جوانان را دستگیر کرده و به جبهه‌ها اعزام دارند و از سویی دیگر از تردد پیشمرگان خلق کرد در منطقه جلوگیری به عمل آورند. تا کنون روستاهای "خلیفان"، "دول یمو"، "قویتل"، "شاره‌زور"، "کلینان"، "وزنتاش" و "کانی سیو" مورد هجوم و اشغال مزدوران قرار گرفته و اهالی این روستاها تحت شدیدترین فشارها قرار دارند. □

۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از مردم شهر در اعتراض به دستگیری معلم فوق‌الذکر دست به تظاهرات می‌زنند. تظاهر کنندگان از چهارراه چهارباغ و لخانیات به سوی میدان انقلاب حرکت می‌کنند و با دادن شعارهایی علیه رژیم جمهوری اسلامی خواستار آزادی معلم دستگیر شده می‌شوند. در مسیر راه‌پیمایی دست فروشان و کسبه از تظاهر کنندگان پشتیبانی می‌کنند. این حرکت اعتراضی قبل از سر رسیدن مزدوران سرکوبگر رژیم پس از طی مسیر یک خیابان به پایان می‌رسد. □

با عمه استشارشدگان و سمنیدگان سراسر جهان در روز اول ماه مه، در یکی از روستاهای کردستان مراسم جشنی برگزار کرد. این مراسم با استقبال پر شور عده‌ای از پیشمرگان انقلابی خلق کرد و اهالی زحمتکش این روستا روبرو شد. □

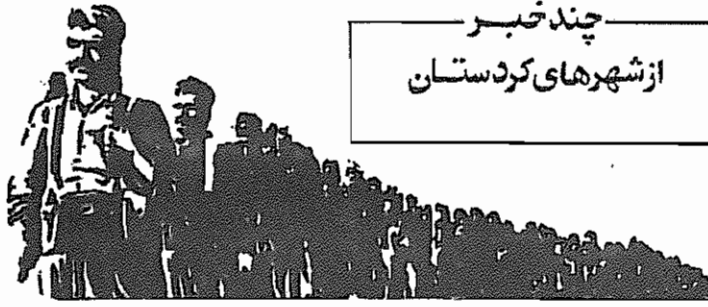
روز اول ماه مه

کمیته‌ی کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به نشانه‌ی همبستگی و وحدت مبارزاتی طبقه‌ی کارگر ایران



گوشه‌ای از مراسم اول ماه مه در یکی از روستاهای کردستان

چندخبر از شهرهای کردستان



رابط

روز بیست و پنجم فروردین ماه مزدوران رژیم با یورش وحشیانه به روستای "چولان" این روستا را به محاصره خود در آورده و به تفتیش و بازرسی خانه‌های مردم پرداختند. این مزدوران علاوه بر ضرب و شتم اهالی و اعمال فشار بر آنها، چهار نفر از زحمتکشان این روستا را دستگیر کرده و همراه خود به پایگاه "شخهل" می‌برند. این اعمال وحشیانه مورد اعتراض دسته جمعی اهالی زحمتکش روستا قرار می‌گیرد. در این حرکت اعتراضی زنان روستا نقش به سزایی ایفا کرده و با دلاوری دوشادوش مردان به قصد آزادی دستگیر شدگان و در

اعتراض به اعمال غیرانسانی مزدوران تا نزدیکی پایگاه می‌روند. پس از آن که خبر اعتراض مردم روستای "چولان" به اهالی روستای "شخهل" و "باز سهمله" می‌رسد آنها نیز به نشانه‌ی همبستگی با مردم روستای "چولان" و در اعتراض به دستگیری چهار نفر مزبور، همراه اهالی "چولان" به سوی پایگاه مزدوران روانه شده و خواستار آزادی دستگیر شدگان می‌گردند. در اثر این حرکت اعتراضی دسته جمعی مزدوران رژیم به وحشت افتاده و فرماندهی مزدور پایگاه اعلام می‌کند که "اشتباه کرده‌ایم" و چند نفر دستگیر شده در اثر مبارزه‌ی متحد و دسته جمعی توده‌های زحمتکش این سه روستا آزاد می‌گردند.

روز بیست و ششم فروردین ماه پاسداران ارتجاع، مستقر در کوه "کیره" در منطقه‌ی ربط، فرد زحمتکشی از اهالی روستای "سی‌سهر" را به جرم شکار دستگیر کرده و به جوخه‌ی اعدام سپرده‌اند. □

اینبار به بهانه‌ی بسیج جنگی کارگران را تحت فشار قرار داده که در صورت امتناع از رفتن به جبهه‌ها با حربه‌ی اخراج روبرو خواهند شد.

در همین رابطه کارفرمایان دولتی در مهاباد، کارمندان و کارگران راه و نرابری " اداره راه فدس " مهاباد را به منظور اعزام اجباری به جبهه‌ی جنگ ارتجاعی تحت فشار قرار دادند. اما مزدوران رژیم با مقاومت انقلابی کارکنان این اداره روبرو و ناچار شدند که آنها را جریمه یا اخراج نمایند که تا کنون ۳۵ الی ۴۰ نفر از کارگران و کارکنان اداری راه که از پرداخت جریمه و رفتن به جبهه امتناع کرده‌اند، اخراج گردیده‌اند.

(به نقل از ریگای کهگل ۴۱)

به دنبال موج اخراج کارگران از کارخانه‌ها در سراسر ایران در کردستان نیز سرمایه‌داران دست به اخراجهای دسته‌جمعی کارگران زده‌اند. سازمان آب سنندج:

در تاریخ ۲۸ اسفندماه ۶۴، ۱۶۰ نفر از کارگران سازمان آب سنندج اخراج شدند. این افراد که اکثراً کارگر پیمانی بودند به بهانه‌ی کمبود بودجه از حق طبیعی خود محروم گشته و اخراج شده‌اند.

اداره‌ی برق سنندج: در آخرین روزهای سال گذشته ۷۰ نفر از کارکنان این اداره نیز اخراج شده‌اند.

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی در ادامه‌ی سیاست اخراج کارگران

معرفی يك نشریه

از فوریه‌ی سال ۱۹۸۶، مجله‌ی "سهرده‌می نوئی" شامل مقاله‌هایی به زبانهای فارسی، کردی و کردی کورمانجی به همت عده‌ای از عناصر مترقی و انقلابی خلق کرد منتشر شد. این مجله با بررسی مسایل سیاسی - اجتماعی در کشورهای ایران، عراق و ترکیه می‌کوشد عمبستگی خلق کرد در هر يك از این کشورها را با مبارزات دیگر خلقهای این کشورها تقویت کند.



عملیات انفجاری دسته‌ای از سرمچاران فدایی در محور بندر چابهار - ایرانشهر

سرکوب خلق بلوچ
شدت می‌گیرد

یکی از اقدامات ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی کشیدن يك جاده در سرتاسر مرز بلوچستان است. رژیم سعی دارد با ایجاد پایگاههای جدید و جاده‌سازی مرزی مردم را بیشتر زیر سلطه‌ی خود قرار دهد و بر مردم کاملاً مسلط شود. مردم بلوچستان از هر نوع حقوقی بی‌بهره‌اند و این خواست خود رژیم است که می‌خواهد که مردم این ناحیه از هر نظر عقب افتاده و کاملاً وابسته به رژیم باشند. رژیم ضد خلقی از نرس این که مبادا مردم زحمتکش بلوچ بر خندش قیام کنند، دست به اقداماتی از قبیل جاده‌سازی مرزی و ایجاد پاسگاه در فاصله‌ی هر دو کیلومتر یا کمتر از این فاصله می‌زند تا بتواند کاملاً بر مردم بلوچ مسلط شود. رژیم با حمله به زحمتکشان بلوچ ماعیت خود را بر این خلق ستم‌دیده آشکار می‌سازد.

رژیم جمهوری اسلامی عرکجا که قدم می‌گذارد با اراده‌ی خلل‌ناپذیر خلق بلوچ و سرمچاران قهرمان فدایی آن روبرو می‌شود. رژیم با تمام تجهیزات ویرانگر خود با سیل نیروهای انسانی خود اعم از سپاه و بسیج و ارتشی و ... فادر نیست تا زحمتکشان بلوچ را از مبارزه برای تحقق آرمانهای انقلابی خود باز دارد. واقعیت‌های سرسخت مبارزه کنونی هر روز و هر ساعت و با قدرت عرجه بیشتر اراده خلل‌ناپذیر این خلق قهرمان را آشکار ساخته و آرمان حن طلبانه و دموکراتیک آن را در غرش مسلسل‌های سرمچاران در عر گوشه بلوچستان فریاد می‌زند و بر سینه مزدوران رژیم حک می‌نماید. امروز دیگر این واقعیت انکارناپذیر است که رژیم عر جا که یا نهاده است با کلوله و انفجار خشم خلق و با مهلکه مرك و نیستی مواجه کشته است. طی عملیات متهورانه دسته‌ای از سرمچاران فدایی یکی از یلهای استراتژیک منفجر کردید. این یل از آن جهت مورد عدد عملیات انفجاری واقع شده که بر روی محور بندر چابهار - ایرانشهر فرار گرفته است. رژیم از این جاده بیشترین محموله‌های نظامی و مصرفی مورد نیاز خود را ماعیانه توسط ۱۸،۰۰۰ تریلر حمل و نقل می‌کند (اعمیت این جاده قبلاً طی مقاله‌ای در بامی‌استار شماره ۴۰ درج گردیده است). این عملیات در ساعت ۱۱/۳۰ شب ۲۷ خرداد ماه انجام گرفت. طی برنامه طر: ریزی شده فبلی سرمچاران پس از عبور از چند پایگاه دشمن یل پشامک کور - منطقه سرباز - واقع در ۱۷۰ کیلومتری ایرانشهر را منفجر کردند، سرمچاران فدایی قبل از انجام عملیات نسبت به شعار نویسی اقدام کرده و پس از انجام عملیات با پخش اعلامیه‌های سازمان با عوشیاری و نظم انقلابی عقب نشینی کرده و عمکی سالم به پایگاه خویش بازگشتند.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق بلوچ

در اعتزاز باد پرچم خونین سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
مرك بر امیرالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

عواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
سیستان و بلوچستان (بامی‌استار)

۳۰ خرداد ۱۳۶۵

منتشر شد



اوج گیری ناراضیاتی عمومی علیه سیاستهای دولت بلژیک

در اعتراض به سیاستهای سخت گیرانهی دولت بلژیک در اوایل ماه ژوئن تظاهرات گستردهای با شرکت دویست هزار نفر در بروکسل برگزار شد. این تظاهرات در ادامهی اعتصاب عمومی دو روزه و اعتصابات پراکندهی دیگری بود که در اواخر ماه مه از سوی اتحادیههای کارگری بلژیک علیه سیاستهای اعلام شدهی دولت ترتیب یافته بود.

دولت ائتلافی مارتنز (Martens) بنابر وضعیت بد اقتصادی سعی دارد با کاهش ۲۰ میلیارد فرانک از بودجهی مقرر شده در بخشهای دولتی

سازشکار اتحادیهها تمام تلاش خود را برای تخفیف دادن روحیهی اعتراضی به کار گرفتهاند و از طریق فریفتن کارگران سعی دارند آنان را از ادامهی اعتصابات و یا دست زدن به عرکونه حرکت مستقیم اعتراضی باز دارند. به طور مثال بعد از خاتمهی اعتصاب عمومی دو روزه با آن که بخش وسیعی از کارگران راه آهن و اتوبوسرانی خواهان ادامهی اعتصاب عمومی بودند، رهبران سازشکار، کارگران را به بازگشت به سر کار ترغیب کردند و از این طریق اعتصاب عمومی گستردهی کارگران را از تداوم خود باز داشتند. در تظاهرات بروکسل نیز نقش

فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به سود اسرائیل است

به دنبال افشای فروش اسلحههای آمریکایی از طریق اسرائیل توسط چند اسرائیلی و انگلیسی ۰۰۰ (جهان ۴۳)، مناخیم مارون، مدیر کل سابق وزارت دفاع اسرائیل، طی مصاحبهای اعلام داشت: "در این زمینه ((یعنی فروش اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی)) بحثهایی در اسرائیل در گرفت. اما این نتیجه به دست آمد که چنین اقدامی از نظر رسیدن به هدفهای معینی به سود اسرائیل است." او اضافه کرد: "موضوع فروش اسلحه به آگاهی آمریکاییان رسید، ولی از آنها کسب اجازه نکردیم." □



کارگران بلژیک در اعتراض به سیاستهای دولت در اوایل ژوئن اعتصاب برپا کردند

و خدمات، خود را از وضعیت ناهنجار فعلی نجات دهد. اما این اقدامات که بر بخشهای بهداشت، آموزش و پرورش و حمل و نقل تاثیرات زیانباری خواهد گذاشت از سوی اتحادیههای کارگری بلژیک و طیف وسیعی از مردم این کشور با مخالفت شدیدی روبرو شده است. با این وجود رهبران

سازشکارانهی رهبران اتحادیههای کارگری مشهود بود. اینان با استفاده از ناراضیاتی عمومی صرفا خود را به دخالت در تصمیم گیریهای دولت و حق شرکت در مذاکرات محدود ساختند و در نطقهای خود به اعتصاب و یا دیگر حرکتها اعتراضی اشاره ای نکردند. □

نشریه

کد

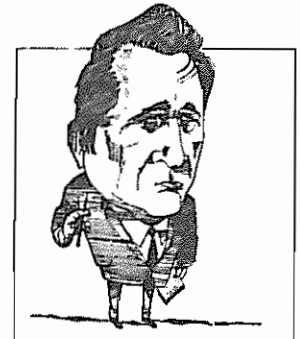
را بخوانید

حمله موفقیت آمیز انقلابیون السالوادور

به يك پادگان نظامی

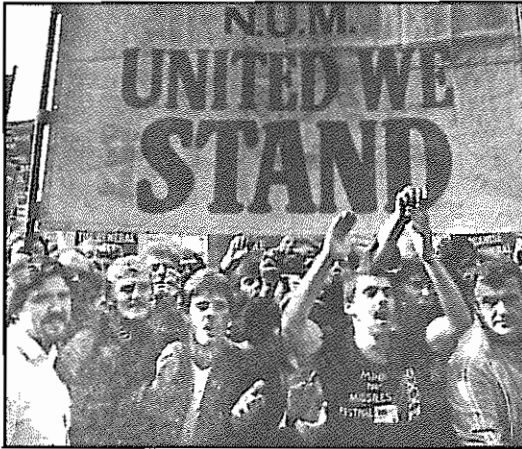
در روز پنج شنبه ۱۹ ژوئن، چریکهای فارابوندو مارتی FMLN، به یکی از بزرگترین پادگانهای ارتش در شهر سن میکل، واقع در شرق السالوادور حمله کردند. چریکها پس از قطع برق پادگان، درغای اصلی آن را مورد اصابت خمپاره قرار داده و طی يك درگیری موفقیت آمیز که بیش از دو ساعت به طول انجامید، موفق شدند بیش از ۵۰ نفر از افراد دشمن را به غلاقت برسانند. طبق گزارشهای خبرنگاران خارجی در این پادگان بیش از ۱۰۰۰ تن از سربازان و افسران ارتش و همچنین ۵ تن از مستشاران نظامی آمریکا به سر می‌برند.

لازم به توضیح است این حمله زمانی به وقوع می‌پیوندد که ناپلئون دو آرته، رئیس جمهور السالوادور، بنا به درخواست نمایندگان FDR و همچنین فشار حزب دموکرات مسیحی، حاضر به قبول انجام مذاکراتی برای خاتمه دادن به جنگ داخلی شده است.



در حالی که رژیم دو آرته از لحاظ اقتصادی و نظامی سخت وابسته به امپریالیسم آمریکا است، انتظار نتایج مثبت از چنین مذاکراتی بسیار بعید به نظر می‌رسد.

شکست سیاست سازشکارانه رهبری اتحادیه چاپ انگلستان



معدنچیان انگلیس از خواستهای کارگران چاپ پشتیبانی می‌کنند.

گیری کارگران غیرمنطقی " است. در گذشته‌های سالهای نمایندگانی کارگران چاپ، رهبران اتحادیه‌ی چاپ با اعلام میزان موجودی اتحادیه، بر ادعای خود مبنی بر غیرممکن بودن ادامه‌ی اعتصاب، با فشاری می‌کردند. اما از آنجا که با مخالفت شدید کلیه‌ی نمایندگان روبرو شدند، اجباراً با قطعنامه‌ای مبنی بر "افزایش فعالیتها و تظاهرات" و ادامه‌ی اعتصاب، موافقت کردند. □

چندی پیش، صاحبان صنایع چاپ "نیوز اینترناشنال" پیشنهاد "نهایی" خود را برای به‌سازش‌کشاندن اعتصاب کارگران چاپ مطرح کردند. این پیشنهاد که مبنی بر پرداخت ۵۰ میلیون پوند حق بیکاری به کارگران اخراج شده و واگذاری يك چاپخانه به اتحادیه‌های سراسری انگلیس بود، در رای گیری کارگران اعتصابی با قاطعیت رد شد.

کارگران چاپ با رد کردن این پیشنهاد به کارفرما و سران سازشکار اتحادیه نشان دادند که خواسته‌هایشان نه بر سر گرفتن مبلغی بابت بیکاری است، بلکه مسایل اساسی‌تری چون مبارزه برای حق کار و مهم‌تر از همه دفاع از حقوق پایمال شده‌ی اتحادیه‌ی کارگران چاپ که به وحشیانه‌ترین صورت مورد تجاوز قرار گرفته است، مد نظر است. اما رهبران سازشکار اتحادیه‌ی چاپ SOGAT که از ادامه‌ی اعتصاب عراس دارند و از عمان ابتدا نسبت به این پیشنهاد روی خوش نشان می‌دادند، پس از مشخص شدن نتیجه‌ی رای گیری، به بهانه‌ی "ورشکستگی مالی اتحادیه"، ادامه‌ی اعتصاب را غیرممکن دانسته، گفتند "تصمیم

۷۰۰۰ کارگر صنایع کشتی‌سازی

در فرانسه دست به اعتصاب زدند

۷۰۰۰ نفر کارگران صنایع کشتی‌سازی NORMED در فرانسه، در اعتراض به تصمیم مدیران این صنایع مبنی بر تعطیل کردن سه کارگاه کشتی‌سازی و بیکار کردن تعداد زیادی از کارگران دست به اعتصاب زدند. دولت دست راستی شیراک اعلام کرده است که حاضر نیست صنایع کشتی‌سازی را، که در نتیجه‌ی بحران اقتصادی با خطر ورشکستگی روبرو است، مشمول کمکهای دولت کند. □

مردم شیلی مراسم فرمایشی را به قیام خیابانی تبدیل می‌کنند



ژنرال پینوشه، دیکتاتور شیلی

اعتراضات روز افزون توده‌ای علیه رژیم دیکتاتوری پینوشه در شیلی، در ماه گذشته همچنان ادامه داشت. در اواخر ماه مه، پینوشه برای دیدار از شهر تموکو، واقع در جنوب آن کشور، به آنجا سفر می‌کند. مقامات دولتی به منظور استقبال از وی مراسمی را در این شهر تدارک دیده بودند. اما به محض ورود پینوشه این مراسم به سرعت به تظاهرات وسیع علیه رژیم تبدیل می‌شود. هنگامی که پینوشه قصد داشت سخنرانی خود را در مرکز شهر آغاز کند، بیش از ۲۰۰۰ تن از زحمتکشان مبارز با شعارهای "سرنگونی رژیم" تنفر خود را از دیکتاتوری او اعلام می‌کنند. پلیس ضد شورش، بلافاصله یورش وحشیانه‌ای را به صف تظاهر کنندگان آغاز می‌کند. تظاهر کنندگان دست به مقاومت قهرمانانه‌ای زده و خیلی سریع تظاهرات را به شورشهای خیابانی در سطح شهر تبدیل می‌کنند و با ایجاد سنگرهای خیابانی، چندین ساعت به درگیری با قوای نظامی می‌پردازند. پینوشه و مقامات دولتی، عراسان از گسترش اعتراضات، انجام مراسم فرمایشی رابه "آینده‌ای نزدیک!" موقوف می‌کنند.

در سانتیاگو، پایتخت این کشور، نیز اعتصاب دانشجویان همچنان ادامه دارد و اکثر دانشگاهها به حالت تعطیل در آمده‌اند. دانشجویان و کارمندان اعتصابی دانشگاهها اعلام کرده‌اند که تا زمانی که مسئولین

اعتصابات گسترده

دانشجویان دانشگاههای نیجریه

در اواخر ماه مه، دانشجویان دانشگاه "آمادوبلو" (Ahmodo Bello) در شمال نیجریه، به مناسبت بزرگداشت واقعه‌ی کشتار دانشجویان در سال ۱۹۷۸ در این کشور، تظاهراتی را برگزار کردند. دانشجویان طی این تظاهرات، اعتراضات خود را علیه طرح اسلامی کردن دانشگاهها از سوی دولت این کشور و ممنوعیت معاشرت دانشجویان زن و مرد، که در ایالتهای مسلمان نشین شمال نیجریه به مورد اجرا گذاشته شده، نشان دادند. آنان همچنین خواهان بهبود وضعیت رفاهی و بالا بردن سطح آموزش دانشگاهها شدند. این تظاهرات مورد حمله‌ی وحشیانه‌ی نیروهای پلیس قرار گرفت که طی آن ۲۰ تن کشته و تعداد زیادی زخمی و دستگیر شدند. به دنبال این واقعه، دانشجویان دانشگاه "لاگوس" در اعتراض به این عمل وحشیانه‌ی پلیس و نیز به منظور پشتیبانی از دانشجویان مبارز دانشگاه "آمادوبلو" دست به اعتصاب می‌زنند. در مدت کوتاهی این اعتراضات دانشجویی سراسری می‌شود. دانشجویان دانشگاه 'IFE' ضمن عمیستگی خود با سایر دانشجویان اعتصابی، به يك زندان حمله برده و با به آتش کشیدن آن ۲۱۶ تن از زندانیان را آزاد کرده و ایستگاه پلیس را نیز به آتش می‌کشند. در بسیاری از مناطق، دانشجویان و محصلین دبیرستانها، با برپایی اعتصاب و به آتش کشیدن ماشینهای دولتی و پلیس، همبستگی‌شان را نشان می‌دهند. دولت نظامی نیجریه نگران از گسترش دامنه‌ی این اعتصابات هر گونه تجمع دانشجویی را ممنوع کرده است. □

آهنگر
در تبعید

برای دریافت ماهنامه‌ی طنزآمیز "آهنگر" با نشانی‌های زیر تماس بگیرید.

انگلستان AHANGAR, c/o BOOKMARKS, 265 SEVEN SISTERS RD, LONDON N4, UK

آمریکا AHANGAR, 2265 WESTWOOD BLVD. #256, L.A. C.A. 90064, USA